

چشم انداز و بررسی
غزل معاصر

حسین منزوی

به انضمام گزیده‌ای از غزل‌های مؤلف

به کوشش: مجید شفق



انتشارات ارمغان

چشم‌انداز و بررسی غزل معاصر

مؤلف: حسین منزوی

به کوشش: مجید شفق

حروفچینی: گنجینه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

ISBN: 978-964-8974-39-3

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۷۴-۳۹-۳

لیتوگرافی: سنا

چاپ: صلیق

دفتر مرکزی: تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - بعد از چهارراه

لبافی‌نژاد کوچه مهر شماره ۱ تلفکس: ۶۶۹۶۹۵۷۹

فروشگاه: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - چهارراه شهید نظری -

شماره ۲۷۲ تلفن: ۶۶۴۸۰۲۱۶ تلفکس: ۶۶۴۹۲۷۵۴

www.armaghan-pub.com

سرشناسه	: منزوی، حسین، ۱۳۲۵ - ۱۳۸۳
عنوان و نام پدیدآور	: چشم‌انداز و بررسی غزل معاصر حسین منزوی به‌اتضمام گزینهای از غزل‌های مؤلف / به کوشش مجید شفق
مشخصات نشر	: تهران: ارمغان، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری	: ۷۰۳ ص: ۱۴ × ۲۱ س.م.
شابک	: 978-964-8974-39-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: به‌همراه نوشته‌هایی به یاد حسین منزوی.
موضوع	: منزوی، حسین، ۱۳۲۵ -
موضوع	: غزل - ایران
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها
شناسه افزوده	: شفق، مجید، ۱۳۳۳ -
رده‌بندی کنگره	: PIR۳۶۲۸/م۸ ج ۵ ۱۳۸۷
رده‌بندی دیویی	: ۸۵۱/۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۵۴۷۴۲۷

قیمت: ۱۶۵۰۰ تومان

فراهم شده که روی آن نوشته شده: (مراسم بزرگداشت استاد حسین منزوی، سلطان غزل ایران).^۱

یادش گرامی و نامش ماندگار باد.

اما درباره این کتاب

حدود بیست و سه چهار سال پیش به ناشری دست همکاری دادم و قرار شد ضمن تماس با شاعران و نویسندگان، آثار تعدادی از آنان را چاپ و منتشر کنیم، یکی از کسانی که سابقه دوستی با او مرا به انتشار آثارش ترغیب کرد حسین منزوی بود. حاصل تکرار جلسات و مذاکرات متعدد سبب شد که موفق به گرفتن امتیاز دائم چاپ شش کتاب او گردم، اما متأسفانه همکاری من با آن دوست ناشر، سرانجام مطلوبی نداشت و پس از تقسیم آثار و تصفیه حساب «حنجره زخمی تغزل»، «نقد و بررسی غزل‌های معاصر» و «بررسی مثنوی معاصر» به من تعلق گرفت، با این که در نظر داشتم این سه مجموعه را به بهترین وجه ممکن به دست چاپ بسپارم، درگیری‌های متعدد، از جمله عدم سرمایه کافی و گرفتاری‌های زندگی و مسافرت به خارج، این مهم را به عهده تعویق انداخت تا این که اخیراً ضمن دیداری که با جناب آقای محسن بهگونیا مدیر محترم انتشارات ارمغان داشتم از تمایل ایشان برای نشر این اثر تحلیلی آگاه شدم و از آن استقبال کردم، سرانجام با همت والای این ناشر ادب دوست پس از سال‌ها تأخیر، آرزوی دیرینم برآورده شد.

درباره این کتاب گفتنی است که:

۱- هرگز ندانستم - و این فرصت پیش نیامد تا از مؤلف کتاب بی‌رسم - ملاک قراردادن شاعران در نسل‌های شش‌گانه‌ای که اساس این کتاب را تشکیل می‌دهد چیست، سن یا سبک؟ زیرا برخی از شاعران به لحاظ سنی به نسل قبل، یا بعد از نسل تعیین شده تعلق دارند. اختلاف سبکی نیز بین آنان به حدی است که نیازی به ذکر آن نمی‌بینم این موضوع گاه با تکرار نام شاعرانی در دو نسل مختلف کار را بر صاحب این قلم دشوارتر کرد مثلاً

۱- تا آنجا که شنیده‌ام اداره ارشاد اسلامی زنجان تندیس نیم‌تنه او را به معرض تماشای عموم قرار داده است.

از آنتشی و مفتون امینی هم در نسل سوم نام برده شده و هم در نسل چهارم، ناگزیر این دو شاعر را در نسل سوم جای دادم و آنچه درباره آنان در نسل چهارم نوشته بود به نوشته های نسل سوم افزودم.

۲- از شاعران بسیاری که شایسته بود نامی از آنها در این کتاب برده شود سخن نرفته، شاید اگر مجال بازنگری برای مؤلف پیش می آمد ترکیب این کتاب به گونه ای دیگر بود.

۳- نویسنده در حاشیه برخی از اشعار اظهارنظرهایی کرده که برای رعایت اصل امانتداری، بدون کوچک ترین دخل و تصرفی این یادداشت ها را در پاورقی ها منعکس کردم، ذکر این نکته ضروری است که نقل این گونه مطالب الزاماً به معنی توافق با عقیده مؤلف نیست.

۴- چون ظاهراً مؤلف به نمونه های کار برخی از شاعران دسترسی نداشت در حاشیه نام آنان، گزینش اشعارشان را به انتخاب وا گذاشته که به دلیل پرهیز از تکرار و شائبه خودنمایی از ذکر این گزینش ها در حاشیه اشعار خودداری شد.

باید توجه داشت آنچه در این مجموعه می خوانید مربوط به نظریات سال های پیش مؤلف است شاید اگر این اثر در اواخر زندگانی او تألیف می شد شکل و شمایل دیگری داشت زیرا عده ای از شاعران بالنده تر شده اند، گروهی به طور کلی شعر را رها کرده اند، بعضی کم کارتر شده و تعدادی بعداً ظهور کرده اند که چهره های امیدوارکننده در میان آنان کم نیست.

۵- چون مرحوم منزوی در پاره ای موارد تنها یک غزل شاعری را در اختیار داشت و مایل بود آثار بیشتری از آنان را ارائه دهد کتباً به این جانب اجازه داده است که در صورت تمایل به نمونه های کار شاعران (نه تعداد شاعران) بیفزایم، حتی انتخاب یا تغییر انتخاب برخی را که خود به آنها دسترسی نداشت یکسره به صاحب این قلم وا گذاشت. این کوشنده هم تا آنجا که اشعار برخی از شاعران را در اختیار داشت نمونه های محدودی برگزید و به منتخبات مؤلف افزود.

۶- چون ناشر محترم علاقه مند بود که دوستان شعر منزوی آثار بیشتری از این

شاعر را مطالعه کنند، یک غزل او را در بخش شاعران نسل پنجم و باقی غزل‌هایی که خود انتخاب کرده بود با تعدادی غزل که برگزیده این جانب است در پایان کتاب یکجا به عنوان «ضمیمه» نقل کردم که صرفاً حاصل ذوق و سلیقه من است.

در پایان وظیفه خود می‌دانم که مجدداً از ناشر محترم، دوست عزیزم جناب آقای محسن بهگونیا که عمر و سرمایه خود را صرف اشاعه ادب و فرهنگ ایران عزیز کرده‌اند و در این راه متحمل زحمات فراوانی شده‌اند که کتاب حاضر نمونه‌ای از تلاش چشمگیر ایشان است، صمیمانه تشکر کنم.

همچنین از زحمات دوست محترم جناب آقای حسن نیک‌بخت مدیر حروفچینی گنجینه که با دقت و ذوق و وسواس، حروف‌نگاری کتاب را به عهده گرفتند سپاسگزار می‌باشم.

برخی شما

مجید شفق

تهران - ۱۳۸۷/۳/۱۰

فهرست

۵	پیشگفتار
۱۳	دربارهٔ غزل و غزلسرایان
۱۹	م. آزاد
۲۰	مهدی اخوان ثالث
۲۳	مفتون امینی
۲۵	سیمین بهبهانی
۲۵	نوذر پرنگ
۲۷	فریدون تولّی
۲۸	پرویز خائفی
۲۹	پرویز ناتل خانلری
۳۰	اسماعیل خویی
۳۴	مهدی سهیلی
۳۴	محمد رضا شفیعی کدکنی
۳۷	محمد حسین شهریار
۴۰	عمران صلاحی
۴۱	فروغ فرخزاد
۴۳	فریدون مشیری
۴۴	حسین منزوی
۴۷	منوچهر نیستانی

۴۹	 نیما یوشیج
۵۱	 اصغر واقدی
۵۴	 ابوالحسن ورزی
۶۳	 آغاز سخن
۶۷	 غزل‌سرایان نسل اول
۸۹	 غزل‌سرایان نسل دوم
۱۷۱	 غزل‌سرایان نسل سوم
۳۳۹	 غزل‌سرایان نسل چهارم
۴۶۳	 غزل‌سرایان نسل پنجم
۵۶۱	 غزل‌سرایان نسل ششم
۶۳۳	 گزیده غزلیات حسین منزوی
۶۴۹	 از هرچه بگذری سخن دوست خوشتر است
۶۵۱	 با یاد حسین منزوی - منوچهر آتشی
۶۵۲	 خبر ناگهانی بود - سیمین بهبهانی
۶۵۵	 برای من همیشه عزیزترین - محمدعلی بهمنی
۶۶۵	 کوشش آن حق‌گزاران یاد باد - محمد پیمان
۶۶۹	 حسین منزوی غزل‌سرایی که زود انزوا گزید - پرویز خائفی
۶۷۲	 نوآیین و نژاده - دکتر میرجلال‌الدین کزازی
۶۷۴	 در شور غزل منزوی - شمس لنگرودی
۶۷۶	 یاد و خاطره زنده‌یاد حسین منزوی - مشفق کاشانی
۶۷۹	 فهرست اشعار

به نام خدا

پیشگفتار

آشنایی من با زنده یاد حسین منزوی به سال‌های ۴۵-۴۶ باز می‌گردد، در آن سال‌ها همه هفته روزهای چهارشنبه در دفتر شادروان مهدی سهیلی انجمنی تشکیل می‌شد که گروهی از شاعران صاحب‌نام در آن شرکت می‌جستند، تا آنجا که به خاطر دارم - بدون در نظر گرفتن تقدم و تأخر شخصیت‌هایی چون: پژمان بختیاری، رهی معیری، عبدالرحمان فرامرزی، دکتر حمیدی شیرازی، ابوالحسن ورزی، دکتر رعدی آذرخشی، پارسا تویسرگانی، عبدالله الفت، گلشن کردستانی، مهرداد اوستا، مشفق کاشانی، سعید نیاز کرمانی، ابوالقاسم حالت، ابوتراب جلی، پروین بامداد، سیمین بهبهانی، جواهری وجدی، دکتر علیرضا میثمی، دکتر محمدعلی معتمد، خسرو شاهانی، نادر نادرپور، شهر آشوب، امیری فیروزکوهی، دکتر اسدالله مبشری، فریدون مشیری، دکتر ضیاءالدین سجادی، دکتر حسن هنرمندی، دکتر داریوش صبور، عماد خراسانی، علی‌اکبر دلفی، رضا ثابتی، کلانتری پیروز، مصطفی قمشه‌ای مژده، ابوالحسن احتشامی، دکتر باستانی پاریزی، کریم فکور، و جوان‌تر از همگان محمد پیمان و حسین منزوی که با روان‌شاد سهیلی دوستی و مراوده داشتند اغلب مرتب و برخی گهگاه در انجمن او که گنجایش محدود داشت با دعوت قبلی شرکت می‌کردند و با خواندن شعر و نقد و بررسی، فضای خاصی به وجود می‌آوردند که با سایر انجمن‌ها که شرکت در آنها برای همگان آزاد بود و تنها به شعرخوانی بسنده می‌شد تفاوتی چشمگیر داشت، به ویژه که حضور هنرمندان

تکنواز و خوانندگان خوش صدا هم به این جلسات شور و حالی خاص می‌بخشید.

حسین در آن زمان حدوداً ۲۳ یا ۲۴ ساله بود و من نیز که نوجوانی بودم، هم به دلیل وابستگی خانوادگی و هم به واسطهٔ دبستگی به شعر و ادب به عنوان مستمع در این جلسات شرکت می‌کردم و با ولع به آن چه مطرح می‌شد گوش فرا می‌دادم و تشویق شاعران جوان، انگیزه‌ای بود که کار سرودن شعر را - که تازه آغاز کرده بودم - جدی‌تر بگیرم.

آشنایی من با منزوی، رفته رفته به دوستی مبدل شد و دیدارمان از حد هفته‌ای یک بار فراتر رفت، در آن روزها حسین که برای تحصیل از زنجان به تهران آمده بود، در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران درس می‌خواند، ولی چندان به شعر دل بسته بود که پس از اخذ درجهٔ لیسانس رغبتی به ادامهٔ تحصیل نشان نداد. به خصوص که با انتشار اشعارش در جراید روز و چاپ نخستین کتابش به نام «حنجرهٔ زخمی تغزل» در سال ۱۳۵۰ بین شاعران جوان نام و اعتباری پیدا کرده بود.

قریبهٔ سرشار و نوآوری‌های او در شعر، نظر شاعران مطرح آن روز را به خود جلب کرد، تا آنجا که شادروان مهرداد اوستا که در همان سال‌ها کتاب «تیرانا» را منتشر کرده بود در صفحهٔ ۴۷۸ آن نوشت: «اشعار شگفتی‌نازک لاهیجی، شهدی لنگرودی، عمران صلاحی، [محمد] پیمان، منزوی زنجان، از آن گروه معدودند که هنوزشان زمانهٔ قدرو ارج سخن، باز نشناخته». و شاعر نوپرداز منوچهر آتشی نیز پس از انتشار «حنجرهٔ زخمی تغزل» در مقاله‌ای اظهار داشت: «منزوی مرا با غزل آشتی داد»^۱ و در زیر غزلی که به افتخار منزوی گفته، نوشته است: «منزوی در غزل یکه است و مکتدار و بیت آخر آن غزل که من تضمین کرده‌ام، بیتی بی‌نظیر است که فقط از دست و خامةٔ منزوی برمی‌آید»^۲. به هر روی شهرت زودرس منزوی سبب شد که گروهی از شاعران جوان از سبک و سیاق او تقلید و از شعرش استقبال کنند، اگرچه تنها یکی دو تن از پیروان او را دیدم که

۱- به نقل از مقدمهٔ غزل‌های شاعران امروز، ص ۱۹ (م - شفق)

۲- چه سرنوشت غم‌انگیزی! که کرم کوچک ابریشم

تمام عمر قفس می‌یافت ولی به فکر پریدن بود

جلد اول سخنوران نامی معاصر ایران، ص ۳۳

به این حقیقت اعتراف کرده اند، خود او در صفحه ۲۶۹ از «شوکران و شکر» به این مسأله به تفصیل اشاره کرده است.

حسین برخلاف شاعران نوپردازی که اغلب، انجمن‌ها را به بهانه سنت‌گرایی اعضای آن تحریم کرده بودند در هرجا که فرصتی برای عرضه اشعارش پیش می‌آمد، شرکت می‌کرد و با صاحبان عقاید و سلاقی مختلف دوستی داشت.

او هرگز تن به کار رسمی و اداری نداد یا اگر مجبور به قبول مسؤولیتی می‌شد پس از زمانی کوتاه آن را رها می‌کرد، ولی مرتب مقاله می‌نوشت، کتاب چاپ می‌کرد و در برنامه‌های رادیویی شرکت می‌جست.

آشنایی حسین با رادیو از طریق مهدی سهیلی با شرکت در برنامه‌های «بزم شاعران» و مشاعره (به صورت مهمان) آغاز شد ولی سرانجام، خود در سال ۱۳۵۵ اجرای یکی از برنامه‌های «کمربند سبز» را که هر شب توسط یکی از اهالی قلم زیر نظر زنده یاد نادر نادریور تهیه می‌شد به عهده گرفت و با دعوت شاعری به نقد و بررسی اثری از آثار او می‌نشست.

منزوی که به غزل دلبستگی خاصی داشت هوکز به شعر نو بی‌التفات نبود و نمونه‌های قابل قبولی هم در این قالب‌ها سرود، ولی همچنان به عنوان شاعری غزل‌سرا شهرت داشت. شاید تمایل او به غزل، از ارادت به حافظ و اعتقاد به شهریار و به طور کلی دلبستگی مردم به این قالب دل‌انگیز نشأت گرفته بود، شاید هم میراث فرهنگی خانواده و کار پدر شاعر غزلسرایش مرحوم محمد منزوی در راه و روش او نقشی مؤثر داشت. من که توفیق دیدار پدر او را داشتم به وضوح می‌دیدم که تا چه پایه و مایه‌ای شعر و مسائل شعری را جدی می‌گیرد، با این که روزگار پیری و مصایب زندگی رفق او را گرفته بود همچنان پس از بازنشستگی از حرفه شریف آموزگاری، خود را در گوشه کتابخانه کوچک خویش با خواندن آثار قدما و سرودن غزل‌هایی - هر چند معدود و محدود - سرگرم می‌کرد.

اگرچه برادر کوچکتر و تنها دختر حسین - که حاصل ازدواجی ناکام بود - بی‌بهره از ذوق خانوادگی نیستند و به سرودن شعر روی آورده‌اند ولی هنوز داوری در مورد کار آنان

بسیار زود است.

علی‌رغم این که منزوی در شعر سخت جدی بود، در معاشرت و گفت و گو با دوستان - حتی در بدترین شرایط روحی و جسمی - بذله‌گویی و خوش مشربی را فراموش نمی‌کرد و هیچگاه سخشنش از عطر مطایبه بی‌بهره نبود، با تمام خرده‌هایی که براو گرفته‌اند در عین تهیدستی و استیصال، هرگز حاضر نمی‌شد به دستاویزی شعر بزم‌آرایی کند و نامی را به‌نانی خدشه‌دار سازد. وی علاوه بر شاعری در نقد و بررسی اشعار ید طولایی داشت و در نویسندگی نیز بسیار کوشا و سخت‌کوش بود.^۱ از این رو همواره می‌نوشت و تلاش می‌کرد تا با انتشار مقالات و مجموعه‌هایی به زندگانی خویش سرو سامان بخشد.

از میان آثار منتشر شده او علاوه بر مقالاتی که در جراید مختلف، از جمله مجله «تماشا» و روزنامه‌های زنجان به چاپ رسیده، این کتاب‌ها شایسته نام بردن است: حنجره زخمی تغزل، از خاموشی و فراموشی، از ترمه و تغزل، با عشق در حوالی فاجعه، از کهربا و کافور، از شوکران و شکر، همچنان از عشق، به همین سادگی، صفر خان، با سیاوش از آتش، دیدار در متن یک شعر (نقد)، نگاهی به سی و شش شعر از شاعران معاصر (نقد)، این ترک پارسی‌گو (دریاره شهریار) و تیغ و ترمه و تغزل (آخرین مجموعه شعرهای او) و کتاب حاضر.

سرانجام غزلسرایی که در سال ۱۳۲۴ در زنجان دیده به جهان گشوده بود و در دگرگون کردن چهره غزل امروز نقشی انکارناپذیر داشت پس از یک بیماری توانکاه طولانی در اردیبهشت سال ۱۳۸۳ به خواب ابدی فرو رفت و در زادگاه خویش به خاک سپرده شد.

در مراسم بزرگداشت او که به اهتمام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان برگزار شد گروهی از اهالی شعر و ادب شرکت و سخنرانی کردند که می‌توان از میان دوستان سخنران او از منوچهر آتشی و محمدعلی بهمنی نام برد. از این جلسه یک CD به یادگار

۱- لازم به ذکر است که بسیاری از مقالاتش دریاره نقد و بررسی شعر معاصر است و هنوز به صورت کتاب چاپ نشده است.